

**ابتدا از دوران دانشجویی خود بگویید.**

من سال ۱۳۵۸ وارد دانشگاه شدم؛ دانشکده دماوند که دانشکده مجزایی بود و برای فرحناز پهلوی ساخته شده بود. این دانشکده بسیار شیک و مجلل و با امکانات خوبی بود. زبان رسمی این دانشکده هم انگلیسی بود، یعنی من که رشته الهیات و معارف اسلامی قبول شده بودم باید با زبان انگلیسی رشته معارف را تحصیل می‌کردم. همان اوایل که وارد دانشگاه شدم قضیه لانه جاسوسی به وجود آمد، من هم چون عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشکده بودم به‌عنوان نماینده انجمن در لانه جاسوسی فعالیت می‌کردم.

درباره جریان های مختلف دانشجویی سال ۵۸ و انگیزه اصلی که منجر به تسخیر سفارت آمریکا شد، توضیح دهید.

نمی‌توان گفت جریان سیاسی خاصی این تصمیم را گرفت، کسانی که این تصمیم را گرفتند، بچه‌های انجمن اسلامی بودند که دغدغه‌شان هم عملکرد دولت آمریکا، قبل و بعد از انقلاب بود.

به‌خصوص اینکه حضرت امام(ره) در هفتم آبان ۵۸ فرمودند «نشینید که دیگران برای شما کار کنند، دیگران برای شما کار نمی‌کنند، خودتان به فکر خودتان باشید.» این سخن در واقع کنایه‌ای به دولت موقت بود. یا ایشان در ۱۱ آبان هم این بحث را مطرح کردند که «بر طلاب علوم دینی و دانشجویان و دانش‌آموزان است که اعتراض‌های خودشان را به سمت آمریکا متوجه کنند.»

هدف اصلی آمریکا

مهار انقلاب به‌وسیله دولت موقت بود از طرفی تمایل رئیس دولت موقت به سمت آمریکا بود. دیدار بازرگان با برژنسکی در الجزایر باعث شد یک نارضایتی عمومی در مردم نسبت به عملکرد دولت موقت شکل بگیرد. رئیس دولت موقت بازرگان این را عنوان کرده بود که ما مایل هستیم ارتباط دوستانه‌مان را با آمریکا ادامه دهیم یا در جای دیگر عنوان کرده بود که بالاخره گذشته، گذشته است. در واقع سمت و سبب دولت موقت به این مسیر می‌رفت که به قول یکی از کارکنان سفارت، اگر همان روند ادامه پیدا می‌کرد، شریارت آمریکا در ایران، بسیار بهتر از قبل از انقلاب می‌شد.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

مهار انقلاب، هدف اصلی آمریکا بود و وقتی انقلاب مهار می‌شد دیگر انقلاب ایران به‌عنوان انقلاب الگو مطرح نمی‌شد و سرنوشتی مثل انقلاب نیکاراگوئه، که ۶ ماه بعد از پیروزی‌اش با چرخشی به سمت آمریکا رفت، پیدا می‌کرد و ساقط می‌شد.

رئیس دولت موقت عنوان کرد که سیاست ما گام به گام است و گفت که من بولدورز نیستم که کار کنم؛ من یک ماشین فولکس واگن هستم و به آرامی کار می‌کنم. این حرف به معنای این بود که دولت موقت حرکت‌های انقلابی را نمی‌توانست تحمل کند.



یکی از حرف‌های بسیار بدی

که بازرگان به دانشجویان زد این بود که

اینهایی که آمدند اینجا را اشغال کردند،

ضدانقلاب و فرزندان شیطان هستند.

یعنی آن تعبیری که حضرت امام درمورد

آمریکا به کار برده بودند که آمریکا شیطان

بزرگ است، بازرگان گفت که ما فرزندان

شیطانیم که آمدیم لانه جاسوسی را

گرفتیم. چون ایشان قائل بر این بود که

اصلا چیزی به نام استقلال و اینکه شما

بخواهید مستقلا در دنیا حرکت کنید،

معنی ندارد؛ دنیا یک کدخدایی دارد

به‌نام آمریکا

پذیرفتن شاه توسط آمریکا

اهانت به مردم ایران بود مجموع این صحبت‌ها نشان می‌داد که آمریکا دارد خط نفوذش را در داخل کشور باز می‌کند. بعد از انقلاب اسلامی حضرت امام فرمایشی کردند که همه هجمه‌ها به سمت آمریکا بیاید و دانشجویان به این نتیجه رسیدند که وقت آن است که به دولت آمریکا اعتراض کنند؛ چون دولت آمریکا یک حرکت بسیار زشتی که کرد این بود که شاه را پذیرفت. این یک اهانت و توهین به ملت ایران بود که بعد از این همه جنایت حالا به‌عنوان میهمان در آمریکا پذیرفته شد. این قضیه پیامی هم برای سایر وابستگان آمریکا داشت که بالاخره آمریکا حمایتش را از آنها قطع نمی‌کند.

قرار بود یکی دو ساعت با نهایتا

۲ روز در سفارت بمانیم مجموع اینها به‌خصوص پذیرفتن شاه باعث شد دانشجویان یک جلسه‌ای برگزار کنند و در آن جلسه عنوان شد که نهایتا برای سه ساعت، با فوشش برای یکی دو روز در حیات سفارت تحصن کرده و اعتراض‌شان را نسبت به پذیرفتن شاه از سوی آمریکا عنوان کنند؛ چون خواست ملت ایران و حضرت امام(ره) این بود که شاه باید به ایران برگردد تا محاکمه شود ولی کمترین توجهی به این خواسته نشد و دانشجویها بعد از تصرف سفارت آمریکا متوجه شدند که رفتارهای خیلی غیرعادی در آنجا مشاهده می‌شد.

این رفتارهای غیرعادی چه بود؟

مثلا شلیک‌هایی از داخل سفارت به بیرون می‌شد یا گاز اشک‌آور و از این‌طور چیزها. من البته به علت بیماری‌ای که داشتم، یکی دو روز به ملحق شدم ولی بچه‌ها می‌گفتند که آنها مسلح بودند و می‌خواستند به نوعی بچه‌ها را معطل کنند که وارد ساختمان نشوند تا آنها فرصت داشته باشند اسناد را نابود کنند. بچه‌ها که وارد ساختمان می‌شوند با دستگاه‌های بسیار پیچیده جاسوسی مواجه می‌شوند و این باعث شد بچه‌ها در سفارت بمانند چون آنجا دیگر مرکز استراق‌سمع و شنود و خلاصه یک مرکز اطلاعاتی - امنیتی آمریکا در منطقه شده بود.

آیا با تصمیم دانشجویان مخالفتی از سوی خود دانشجوی‌ها هم صورت گرفت؟

بله، فکر می‌کنم بچه‌های علم و صنعت بودند.

به چه علت؟

بعضی‌ها مخالف با اشغال لانه جاسوسی بودند، دلایلش این بود که اشغال لانه جاسوسی را باعث تضعیف دولت یعنی دولت جمهوری اسلامی تلقی می‌کردند بنابراین با این موضوع خیلی همراهی نکردند؛ البته دانشجویانی از دانشگاه علم و صنعت وارد این حرکت شدند و همراهی کردند اما کسانی هم بودند که همراهی نکردند.

درمورد نگاه‌هایی که به آمریکا در انجمن‌های اسلامی وجود داشت، توضیح دهید.

آن موقع انجمن‌های اسلامی واقعا اسلامی بود اما تشکل دیگری به نام انجمن دانشجویان مسلمان بود که می‌گفتند اینها میثمی و پیمانی‌اند. در اقلیت هم بودند، خیلی هم تحرک خاصی نداشتند. در حقیقت می‌شود گفت که اینها شاخه‌ای از سازمان منافقین بودند که قائل به مشی مسلحانه و مشی قهری نبودند ولی تاثیرگذار در لانه به هیچ عنوان نبودند. اصلا ببینید عنوانی که دانشجویان پیرو خط امام برای خودشان انتخاب کردند، یعنی عنوان یک عنوان سیاسی نبود، دانشجویان مسلمان پیرو خط، یعنی پیرو ولایت فقیه، پیرو حضرت امام، یعنی هیچ برچسب سیاسی به این حرکت نمی‌چسبد.

ظاهرا پیش از این هم یک‌بار دیگر سفارت اشغال شده بود.

بله. ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ هم جریان چپ مثلا چریک‌های فدایی خلق اقدام کردند؛ همان

جلوی حیات سفارت آمدند و شعار دادند اما مردم هیچ حمایتی نکردند؛ چیزی حدود سه ساعت بیشتر طول نکشید که اینها از سفارت اخراج شدند.

واکنش مردم به این اقدام دانشجویان در سال ۵۸ چه بود؟

مردم کاملا حمایت کردند. یکی از شعارهای مردم این بود که بعد از شاه‌نوبت آمریکاست. اما دولت موقت و اساسا تفکر نهضت آزادی قائل به این بودند که ما باید با آمریکا کنار بیاییم و اصلا نمی‌شود آمریکا را به‌عنوان شیطان بزرگ تلقی کرد.

بازرگان گفت اینهایی که سفارت را اشغال کردند، خط شیطان‌اند

کما اینکه یکی از حرف‌های بسیار بدی که بازرگان به دانشجویان زد این بود که اینهایی که آمدند اینجا را اشغال کردند، ضدانقلاب و فرزندان شیطان هستند. یعنی آن تعبیری که حضرت امام درمورد آمریکا به کار برده بودند که آمریکا شیطان بزرگ است، بازرگان گفت که ما فرزندان شیطانیم که آمدیم لانه جاسوسی را گرفتیم. چون ایشان قائل بر این بود که اصلا چیزی به نام استقلال و اینکه شما بخواهید مستقلا در دنیا حرکت کنید، معنی ندارد؛ دنیا یک کدخدایی دارد به نام آمریکا.

مردم می‌گفتند بعد از شاه

نوبت آمریکاست

حتی اینها قائل بر این بودند که همان قانون اساسی فرانسه را با قدری اصلاحات اجرا کنیم اما با مخالفت امام و مجلس خبرگان قرار شد قانون اساسی را متناسب با قوانین انقلاب اسلامی و اهداف آن تدوین کنند. بنابراین مردم با تعجب و یاس به رفتار دولت موقت نگاه می‌کردند. آن سیل خروشان مردم را یک مرتبه دولت بازرگان نگه داشت و می‌خواست همه چیز را با سازش حل کند. به هرحال مشی دولت بازرگان به این سمت داشت می‌رفت که انقلاب را به نوعی کنترل کند به این معنا که انقلاب یک حرکتی بوده که انجام شد و نتیجه هم داد و شاه هم رفت و دیگر همه چیز تمام شد و آمریکا هم با اینکه این همه جنایت علیه ما کرده، صرفا عذرخواهی کند و به‌عنوان یک کشور مودب در کنار هم تعاملات‌مان را داشته باشیم.

آمریکایی‌ها خیلی امید داشتند که با دولت موقت انقلاب را کنترل کنند

جالب اینکه اسنادی که از لانه جاسوسی به دست آمد، نشان می‌داد که اینها خیلی امیدوار بودند هیات حاکمه آمریکا بتوانند با دولت موقت انقلاب را کنترل کنند. بنابراین با اشغال لانه جاسوسی به نوعی انقلاب اسلامی تثبیت شد. شما ببینید چقدر کودتا در آمریکای جنوبی و آفریقا اتفاق افتاد که توسط خود آمریکا هدایت می‌شد.

در آمریکا هیچ‌وقت کودتا نمی‌شود چون آنجا سفارت ندارد

در هر کجا که آمریکا باشد کودتا آنجا یک چیز خیلی عادی است. به قول یکی از استراتژیست‌های آمریکایی که می‌گفت در آمریکا هیچ‌وقت کودتا نمی‌شود به خاطر اینکه آمریکا در آمریکا سفارت ندارد. هر کجا که سفارت آمریکا باشد، مرکز توطئه است.

اگر امام حمایت نمی‌کرد

سریعا از لانه خارج می‌شدیم

این که جریان لانه جاسوسی که به تعبیر حضرت امام(ره) انقلاب دومی بزرگ‌تر از انقلاب اول نام گرفت، علتش حمایت حضرت امام و حمایت گسترده مردم بود. یعنی حمایت بی‌نظیر مردم از این حرکت باعث شد که این حرکت ماندگار شود ولی گروه‌های سیاسی مثل منافقین یا چریک‌های فدایی خلق اصلا پایگاه مردمی نداشتند و برای اینکه به نوعی خودشان را از اینکه با آمریکا ارتباط دارند، تبرئه کنند، می‌خواستند این

گفت‌وگوی «فرهیختگان» بافائزه مصلحی، از دانشجویان پیرو خط امام

آمریکا امید داشت با دولت موقت

با اشغال لانه جاسوسی انقلاب اسلامی تثبیت شد

اشاره

روایت‌های مختلف تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸ هنوز پس از ۳۸ سال آن هم از زبان دانشجویانی که خود را پیرو خط امام می‌خواندند، شنیدنی است. فائزه مصلحی یکی از آن ۴۰۰ دانشجویی است که در جریان حرکت دانشجویان بوده است. او دکتری الهیات دارد و مدرس حوزه و دانشگاه است. متن این گفت‌وگوی نسبتا بلند اما جذاب ۴۴۴ روز تسخیر سفارت آمریکا را می‌خوانید.



افشای اسنادی که در داخل لانه جاسوسی بود، کردند. حتی بعضا این اسناد در رابطه با برخی اعضای دولت موقت بود و منجر به محکومیت یکی از اعضای هیات دولت که سخنگوی هیات دولت بود، شد و او سال‌ها در زندان بود.

بعد از افشای این اسناد، این‌همه رسانه‌ای آمریکا که در دنیا مورد توجه قرار گرفته بود، خنثی شد که نشان می‌داد اینجا اصلا کارکرد ویژه امور دیپلماسی نداشته و محلی برای کارهای جاسوسی و تامین منافع نامشروع‌شان در ایران و منطقه بوده است.

آمریکایی‌ها الان هم ایران‌هراسی می‌کنند؛ مدام سپاه را تهدید می‌کنند که شما را در لیست تروریست‌ها قرار می‌دهیم ولی خودشان داعش را به وجود می‌آورند. بنابراین ما از آمریکا نباید انتظار داشته باشیم که از ما تعریف کند؛ چرا که طبیعت و ذات دشمن، دشمنی است. ما نباید نگران این باشیم که آنها راجع به ما چه می‌گویند،

و گروه ترجمه اسناد. حتی برای دانشجویان کارت صادر شد؛ برای اینکه وقتی به داخل لانه رفت و آمد می‌کنند، از لحاظ امنیتی هم مراعات شود، چون دانشجویها گروگان‌ها را امانت می‌دانستند.

ادعای محاکمه گروگان‌ها

یک جو سیاسی بود

البته صحبت‌هایی هم در رابطه با اینکه گروگان‌ها محاکمه شوند، بود اما این بیشتر یک جو سیاسی و هجمه رسانه‌ای بود برای اینکه آمریکا تحقیر شود.

به این موضوع فکر نکردید که لفظ گروگانگری ممکن است تصویر خشونت‌آمیزی از انقلاب ایران در جهان ارائه دهد؟

آمریکا آن موقع یک پروپاگاندای سیاسی راه انداخت، یک پروپاگاندای خیلی عجیب و غریبی که اینها آمده‌اند سفارتخانه را گرفتند و طبق کمیسیون وین حق نداشتند این کار را انجام دهند. بعد از این، دانشجویان شروع به افشای اسنادی که در داخل لانه جاسوسی بود، کردند. حتی بعضا این اسناد در رابطه با برخی اعضای دولت موقت بود و منجر به محکومیت یکی از اعضای هیات دولت که سخنگوی هیات دولت بود، شد و او سال‌ها در زندان بود. بعد از افشای این اسناد، این‌همه رسانه‌ای آمریکا که در دنیا مورد توجه قرار گرفته بود، خنثی شد که نشان می‌داد اینجا اصلا کارکرد ویژه امور دیپلماسی نداشته و محلی برای کارهای جاسوسی و تامین منافع نامشروع‌شان در ایران و منطقه بوده است

حرکت را انجام دهند و در نهایت شما امروز می‌بینید که اینها کاملا با آمریکا ارتباط دارند.

چرا دانشجویها امام(ره) را از تصمیم خود باخبر نکردند؟

بچه‌ها می‌خواستند یک حرکت دانشجویی به‌عنوان اعتراض انجام بدهند، یعنی یک حرکت خودجوش دانشجویی یا به عبارتی آتش به اختیار. این دغدغه هم بود که اگر حضرت امام(ره) این حرکت را تأیید نکنند، بلافاصله از سفارت خارج بشوند و این آمادگی وجود داشت.

امام فرمودند، خوب جایی را گرفتید

ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ آبان که سفارت اشغال شد، یکی از بزرگواران با سیداحمدآقا تماس می‌گیرند که به حضرت امام بگویید لانه تسخیر شده و ببینید که نظرشان چیست؟ امام هم فرموده بود، به آنها بگویید خوب جایی را گرفته‌اید، محکم نگه دارید.

دانشجو‌ها گروگان‌ها را

امانت می‌دانستند

این امر یک شادمانی زیادی بین بچه‌ها ایجاد کرد و بچه‌ها بعد از این خبر، آنجا را ساماندهی کردند و گروه‌های مختلفی شکل دادند؛ گروه تبلیغات، روابط عمومی، عملیات، پشتیبانی



آمریکا آن موقع یک پروپاگاندای سیاسی راه انداخت، یک پروپاگاندای خیلی عجیب و غریبی که اینها آمده‌اند سفارتخانه را گرفتند و طبق کمیسیون وین حق نداشتند این کار را انجام دهند. بعد از این، دانشجویان شروع به افشای اسنادی که در داخل لانه جاسوسی بود، کردند. حتی بعضا این اسناد در رابطه با برخی اعضای دولت موقت بود و منجر به محکومیت یکی از اعضای هیات دولت که سخنگوی هیات دولت بود، شد و او سال‌ها در زندان بود. بعد از افشای این اسناد، این‌همه رسانه‌ای آمریکا که در دنیا مورد توجه قرار گرفته بود، خنثی شد که نشان می‌داد اینجا اصلا کارکرد ویژه امور دیپلماسی نداشته و محلی برای کارهای جاسوسی و تامین منافع نامشروع‌شان در ایران و منطقه بوده است

